



## حدیث غدیر

تسمیه و محل **غدیر خم**، غدیر گودال **آب** است که بعد از گذشتن سیل بر جای می‌ماند و به زودی خشک می‌شود. فعلیل به معنی مفعول است یعنی بر جای مانده (مغدور) یا فعلیل به معنی فاعل است یعنی خیانت کننده (غادر و غدار) چون در وقت حاجت خشک می‌شود و به تشنگان خیانت می‌کند.

### فهرست مندرجات

۱ - موقعیت جغرافیایی غدیر خم

۲ - اهمیت غدیر خم

۳ - بیان واقعه غدیر

۴ - خطبه غدیر

۴.۱ - بررسی سند روایت

۴.۱.۱ - محمد بن ابی عمیر

۴.۱.۲ - عبدالله بن سنان

۴.۱.۳ - معروف بن خربوذ

۴.۱.۴ - ابی طفیل عمر بن واثله

۴.۲ - قصیده حسان بن ثابت

۵ - دلایل اهمیت حدیث

۵.۱ - تواتر حدیث غدیر

۵.۲ - بزرگترین مستند شیعه

۵.۳ - شهادت دو آیه سوره مانده

۵.۴ - برتری اسناد حدیث غدیر

۵.۵ - حدیث غدیر در کتب متعدد

۶ - بشارت درباره حضرت مهدی

۷ - عید غدیر خم

۸ - ادبیات غدیر و غدیریه‌ها

۹ - ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آن

۹.۱ - ایراد اول

۹.۱.۱ - پاسخ ایراد مذکور

۹.۲ - ایراد دوم

۹.۳ - ایراد سوم

۹.۴ - ایراد چهارم

۹.۵ - ایراد پنجم

۹.۶ - ایراد ششم

۱۰ - پانویس

۱۱ - منابع

### موقعیت جغرافیایی غدیر خم

غدیر خم نام واحدی در سه میلی جحفه است که قبایل خزاعه و کنانه در زمان جاهلیت در آن جا منزل می‌کردند. خم به معنی بدبوست. گویند هوای غدیر خم آن قدر ناسازگار است که هیچ کودکی در آن تا سن **بلوغ** زنده نمی‌ماند مگر آن که به جای دیگر برود. جحفه بر وزن غرفه آبادی است در اراضی ساحلی **حجاز** در جنوب شرقی رایغ بین **مکه** و **مدینه** (بین خلیص و بدر) که به بدی آب و هوا شهرت دارد. این محل، میقات حاجیان **شام** و **مصر** و **عراق** بود که از راه **دریا** به حجاز می‌رسیدند. ولی امروز متروک است و حاجیان در منزل رایغ **احرام** می‌بنند.

[۱] **فیر و ز آبادی، مجدالدین، قاموس، ذیل «غدیر».**

[۲] **طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ذیل «غدیر».**

[۳] **کراع النمل، المنجد، ذیل «غدیر».**

[۴] **تهذیب الصحاح، ذیل «غدیر».**

[۵] **ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۱۰.**

## اهمیت غدیر خم

اهمیت غدیر برای شیعیان بدان سبب است که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در آنجا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) را به ولایت و خلافت منصوب نمود. از این رو آنان دوری راه و بدی آب و هوا را تحمل می‌کنند و حتی المقهور خود را به جحفه و غدیر خم رسانده در آنجا احرام می‌بندند. اخیراً هم مسجدی در آنجا ساخته‌اند (خاطرات سفارت و سرپرستی حج، از نویسنده). حدیث غدیر که قوی‌ترین نص و معتبرترین سند ولایت و خلافت علی (علیه السلام) است بدین شرح است: رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در اواخر سال دهم هجری که دوران غزوات سپری شده و اکثر قبایل عرب به اسلام گرانیده بودند عازم حج گردید. این تنها حج او بعد از هجرت به مدینه بود. فریضه حج در سال نهم هجری واجب گردید. از این رو آن را حجة الاسلام و حجة الوداع نامیدند. به علاوه چون به حکم وحی الهی ولایت علی (علیه السلام) را ابلاغ و در نتیجه دین را کامل و نعمت را تمام فرمود آن را حجة الوداع و حجة الکمال و حجة التمام گفتند. در این سفر زوجت و اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و وجوه مهاجرین و انصار و تعداد بسیاری از اهالی مدینه و حومه آن همراه بودند. رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در مدینه به جامه احرام در آمد و روز پنجشنبه پنج روز مانده از ذی قعدة بعد از نماز ظهر از شهر بیرون آمد و به ذوالحلیفه بیرون مدینه منتقل گردید. چون امر شده بود که هر کس بتواند باید که در این سفر همراه باشد با آن که بیماری حصبه (با آبله) در منطقه مدینه شیوع داشت و عده‌ای بیمار بودند لاقلاً ۹۰ هزار یا ۱۱۴ هزار نفر به معیت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) عزیمت کردند. تعدادی هم بین مدینه و مکه ضمیمه شدند مانند عشایر سر راه و آنان که همراه امیر المؤمنین (علیه السلام) و ابو موسی اشعری از یمین باز می‌گشتند. سفر به مکه ده روز و به قولی هشت روز طول کشید و رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از عبور از منازل یلملم، سیاله، عرق الظبیه، روحاء، منصورف، متعشی، اثابه، عرج، سقیاء، ابواء، جحفه، قدید، غمیم، مر الظهران و سرف روز یکشنبه چهارم یا سه شنبه ششم ذیحجه وارد مکه گردید و مناسک حج را به شرحی که در کتب سیره مسطور است به جای آورد.

[۷] ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵۵.

[۸] مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۵۱۰.

[۹] امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۹.

[۱۰] ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۶۰۱.

[۱۱] حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۲۸۳.

[۱۲] جزایری، درر الفوائد، ص ۷۳.

## بیان واقعه غدیر

در راه بازگشت به مدینه (روز ۱۸ ذیحجه سال دهم هجرت) وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به منزل غدیر خم رسید فرشته خدای بر او نازل گشت و این آیه را در شان امیر المؤمنین علی (علیه السلام) ابلاغ نمود: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس..

[۱۳] مانده سوره ۵، آیه ۶۷.

یعنی ای پیامبر فرستاده، برسان آن چه فرو فرستاده شده است به تو از خدای تو اگر نرسانی چنان است که هیچ یک از پیغام‌های خدا را نرسانیده باشی. خدا ترا از مردمان نگاه می‌دارد... برای اجرای امر الهی رسول خدا دستور داد حاجبانی را که از پیش رفته بودند و آنان که هنوز حرکت نکرده بودند توقف کنند سپس فرمود در محل غدیر خم، محوطه‌ای را که پنج درخت سمره (خارین) در اطراف آن بود از خس و خاشاک ستردند و روی درخت‌ها سایبان گسترند. روز پنجشنبه هجدهم ذی حجة رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)، نماز ظهر را پیشاپیش مسلمانان در آن محل بگذارد. آفتاب به قدری سوزنده بود که مردم قسمتی از ردای خود را زیر پا می‌افکندند و قسمتی را روی سر می‌کشیدند. بعد از نماز بر منبری از جهاز شتران که در وسط جمعیت آماده شده بود بالا رفت و خطبه مبسوطی در شرح وظایف مسلمانان و مناقب اهل بیت ایراد نمود متن کامل این خطبه را سپهر در ناسخ التواریخ [۱۴] سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۹۵.

نقل کرده است. در پایان خطبه، رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) دو بازوی علی را گرفته برافراشت به طوری که زیر بغل هر دو پیدا شد. آن گاه فرمود: ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟ ای مردم چه کسی از جان مردمان به ایشان از خودشان (نزدیکتر) و سزاوارتر است؟ همه گفتند: خدای و رسول او بهتر می‌دانند. پیغمبر فرمود: ان الله مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم، فمن کنت مولاة فعلی مولاة (بقولها ثلاث مرات و فی لفظ احمد اربع مرات) ثم قال: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخلد من خذله و ادر الحق معه حیث دار. الا فیبعل الشاهد الغالیب» یعنی خدای مولی و سرور من است و من مولی و سرور مؤمنانم و بر مؤمنان از جانشان به ایشان سزاوارترم. هر که را من مولی و سرورم پس علی نیز مولی و سرور او است (این سخن را سه بار و به قول امام احمد بن حنبل چهار بار مکرر فرمود) سپس گفت: خدایا طرفدار کسی باش که طرفدار علی باشد و خصم آن باش که با او بستیزد. دوست بدار هر که او را دوست دارد. و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار بدار هر که او را خوار بدارد و بگردان حق را با او هر جا که او می‌گردد به هوش باشی باید هر کس در اینجا حاضر است این سخن را به غایبان برساند.

[۱۵] فیروز آبادی، فضائل الخسنة، ج ۱، ص ۳۸۸.

[۱۶] میبیدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۸۱.

[۱۷] هیثمی، نور الدین، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۵۶.

[۱۸] ثعالبی، ثمار القلوب، ص ۶۳۷.

به محض این که خطبه و ابلاغ رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) به پایان رسید هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل گشت: «... الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً...»

[۱۹] واحدی، علی، اسباب النزول، ص ۱۹۰.

یعنی امروز دین شما را برای شما به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و از این که اسلام دین شما است خشنود گشتم.

[۲۰] مانده سوره ۵، آیه ۲.

پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) پس از دریافت این وحی فرمود: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و الولاية لعلی بعدی» از همه بزرگتر است آن خدایی که دین را کامل و نعمت را تمام فرمود و از رسالت من و ولایت علی بعد از من خشنود است. سپس سر پرده ویژه‌ای برافراشتند و به امر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) مردان و زنان، از جمله زنان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در محضر او با علی بیعت کردند. بعد از این مراسم به دست خود عملهای بر سر علی نهاد و دنباله آن را پشت سرش مرتب کرد. این تکریم را که در موارد استثنائی و هنگام انتصاب به امارت انجام می‌شد «تتویح» یا تاجگذاری می‌گفتند. بعد از این مراسم، بزرگان صحابه به تهنیت علی پیش آمدند. مقدم بر همه ابوبکر و عمر بودند که گفتند: «هنیئاً لک (به قولی یخ یخ لک) یا ابن ابی طالب، اصحبت مولی کل مؤمن و مؤمنة، گوارا باد ترا ای پسر ابوطالب. به به از این نعمت صبح می‌کنی و شام می‌کنی در حالی که مولای همه مردان و زنان با ایمان شده‌ای. این عیسی گفت: به خدا سوگند که اکنون پیمان تو بر گردن همه واجب گردید.

## خطبه غدیر

خطبه‌ای که در اینجا بیان می‌گردد با سند درست، **شیخ صدوق** از عالمان نامدار **شیعه** و **طبرانی** از محدثان مشهور **اهلسنت** نقل نموده‌اند و از خطبه مشهور و مفصلی که می‌شناسیم مختصرتر است.

شیخ صدوق می‌نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ يَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ ... عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطَّفِيلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْعِفَارِيِّ قَالَ: لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ نَحْنُ مَعَهُ أَقْبَلُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْخُجْفَةِ فَأَمَرَ أَصْحَابَهُ بِالزُّرُولِ فَزَلَّ الْقَوْمُ مَنَارَ لَهُمْ ثُمَّ نُودِيَ بِالصَّلَاةِ فَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّهُ قَدْ نَبَأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنِّي مَيِّتٌ وَ أَنْكُمْ مَيِّتُونَ وَ كَاتِي قَدْ دُعِيتُ فَلَجِيتُ وَ آتَى مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ عَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ أَنْكُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِزَيْكُمُ قَالُوا نَقُولُ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ جَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ لَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ آتَى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَ أَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ أَنْ النَّبْعَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ فَقَالُوا نَشْهَدُ بِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ اشْهَدُوا عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ أَلَا وَ إِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ اللَّهَ مُؤَلَّى وَ أَنَا مُؤَلَّى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَهَلْ تَقْرُونَ لِي بِذَلِكَ وَ تَشْهَدُونَ لِي بِهِ فَقَالُوا نَعَمْ نَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ فَقَالَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مُؤَلَّاهُ فَلَنْ عَلِيًّا مُؤَلَّاهُ وَ هُوَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ ع فَرَفَعَهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّى بَنَتْ أَبْطُهُمَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ وَال مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْلُدْ مَنْ خَدَلَهُ أَلَا وَ إِنِّي فَرَطُكُمْ وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ حَوْضِي غَدَاً وَ هُوَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بَصْرَى وَ صَنْعَاءَ فِيهِ أَقْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ أَلَا وَ إِنِّي سَأَلْتُكُمْ غَدَاً مَاذَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُكُمْ فِيهِمْ أَشْهَدْتُكُمْ فِيهِمْ غَدَاً مَاذَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُكُمْ فِيهِمْ غَدَاً مَاذَا صَنَعْتُمْ بِالنَّقْلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلْفَتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي قَالُوا وَ مَا هَذَانِ النَّقْلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمَّا النَّقْلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَبَبٌ مَمْدُودٌ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي فِي آيَاتِكُمْ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ الطَّرْفُ الْأَخْرَ بِأَيْدِيكُمْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَ أَمَّا النَّقْلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عَزْرَتُهُ ع وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ قَالَ مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُودَ فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ صَدَقَ أَبُو الطَّفِيلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامَ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ وَ عَرَفْنَاهُ.

[۱۲۱] **شیخ صدوق**، **محمد بن علی**، **الخصال**، ج ۱، ص ۶۶.

← بررسی سند روایت

در سلسله سند این روایت چهار نفر وجود دارد که در ادامه بیان می‌گردد.

← **محمد بن ابی عمیر**

در سند این روایت **محمد بن ابی عمیر** وجود دارد. این راوی از **اصحاب اجماع** است و زمانی یکی از اصحاب اجماع در **سند** وجود داشته باشد سند از اصحاب اجماع تا **معصوم** دیگر بررسی نمی‌شود. در **رجال کشی** آمده است: اجمع اصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم و اقرروا لهم بالفقه و العلم و هم ستة نفر آخردون الستة نفر الذین نکرناهم فی اصحاب ابی عبدالله علیه السلام، منهم یونس بن عبدالرحمن، و صفوان بن یحیی بیاع السابری، و محمد بن ابی عمیر، و عبدالله بن المغیره، و الحسن بن محبوب، و أحمد بن محمد بن ابی نصر.

[۱۲۲] **شیخ طوسی**، **محمد بن حسن**، **رجال کشی**، ص ۵۵۶.

مرحوم **میر داماد** نیز می‌نویسد: قد آورد ابو عمرو الكشي في كتابه الذي هو احد اصول إليها استناد الاصحاب و عليها تعويلهم في رجال الحديث جماعة اجمعت العصابة على تصحيح ما یصح عنهم و الاقرار لهم بالفقه و الفضل و الضبط و الثقة و ان كانت روايتهم باسناد او رفع او عن يسمونه و هو ليس بمعروف الحال و لمة منهم في انفسهم فاسدو العقيدة غير مستقيمي المذهب؛ همانا کشي آورده است در کتابش که یکی از اصولی است که بهش استناد می‌کنند اصحاب شیعه امامیه بر تصحیح ما یصح از اصحاب اجماع اتفاق نظر داشته و به فقه، فضل، **ضبط** و **تفه** آنان اذعان دارند. اگرچه روایتش همراه با ارسال، رفع، یا نقل شده از کسانی باشد که آنان نامشان را برده‌اند، هر چند برای ما هویتشان روشن نباشد، یا کسانی باشند که دارای فساد عقیده و دچار انحراف مذهبی باشند.

[۱۲۳] **محقق داماد**، **محمد باقر**، **الرواشح السماوی**، ج ۱، ص ۴۵.

← **عبدالله بن سنان**

ایشان نیز از روات مورد اطمینان هستند، نجاشی آورده است: عبدالله بن سنان... ثقة، من اصحابنا، جلیل، لا یطعن علیه فی شیء

[۱۲۴] **نجاشی**، **احمد بن علی**، **رجال نجاشی**، ص ۲۱۴.

؛ **عبدالله بن سنان** مورد اعتماد از اصحاب شیعه و جلیل و هیچ طعنی بر او وارد نیست.

← **معروف بن خربوذ**

خرد جنب **معروف بن خربوذ** از «اصحاب اجماع» می‌باشد و شیعه بر پذیرفتن احادیث این‌ها اجماع دارد. از جمله عالمان بزرگ شیعه که ایشان را تفه می‌دانند: مرحوم **کشی** (نقل ابو عمرو الكشي الاتفاق علی ستة نفر من اصحاب الصادقین - علیهما السلام- ، و غیر عنهم بالفقهاء، و الهدف من تسمیةم دون غیرهم، هو تبیین أن الأحادیث الفقہیة تنتهی الیهم غالباً، فکلن الفقه الامامی مأخوذ منهم، و هؤلاء الستة هم: ۱- زرارة بن أعین ۲- معروف بن خربوذ ۳- ابو بصیر الاسدي ۴- برید بن معاویة العجلي ۵- الفضیل بن یسار ۶- محمد بن مسلم الطائفي

[۱۲۵] **سیحانی**، **جعفر**، **کلیت فی علم الرجال**، ص ۱۶۹.

( و **آیت‌الله نمازی شاهرودی** (معروف بن خربوذ از اصحاب **امام سجاد** و **امام باقر** و **امام صادق** (علیهم‌السلام) از کسانی که شیعه بر تصحیح آنچه از آنها با سند صحیح نقل شده است **اجماع** دارند. کشي روایاتی در مدح آورده است و **علامه مامقانی** نقل کرده است و به اخبار تم او بهترین جواب را داده است.

[۱۲۶] **مستدرکات علم رجال الحديث**، ج ۷، ص ۴۵۳.

( هستند.

← **ابی طفیل عامر بن وائله**

در همین روایت امام باقر (علیه‌السلام) وی را توثیق نموده است که بهترین دلیل بر درستی این راوی است.

طبرانی می‌نویسد:

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی و زکریا بن یحیی الساجی قالا ثنا نصر بن عبد الرحمن الوشاء ح وحدثنا أحمد بن القاسم بن مساور الجوهري ثنا سعيد بن سليمان الواسطي قالا ثنا زيد بن الحسن الأنماطي ثنا معروف بن خربوذ عن ابی الطَّفِيلِ عن حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْعِفَارِيِّ قَالَ لَمَّا صَدَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ نَهَى أَصْحَابَهُ عَنْ شَجْرَاتٍ بِالْبَطْحَاءِ مُتَقَارِبَاتٍ أَنْ يَنْزِلُوا تَحْتَهُنَّ ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِنَّ فَمَمَّ مَا تَحْتَهُنَّ مِنَ الشُّوكِ وَ عَمَدَ إِلَيْهِنَّ فَصَلَّى تَحْتَهُنَّ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ نَبَأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ لَمْ يُعْمَرْ نَبِيٌّ إِلَّا نَصَفَ عُمَرُ الَّذِي بَلِيَهُ

من قَبْلِهِ وَإِنِّي لِأَظُنُّ أَنِّي يُوَسِّدُكَ أَنْ ادْعِيَ فَاجْتَبِ وَأِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ فَمَاذَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَجْهتَ (وجاهت) وَنَصَحْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا فَقَالَ أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ  
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ حَنْتَهُ حَقٌّ وَنَارَهُ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّبْعَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ قَالُوا بَلَى نَشْهَدُ بِذَلِكَ  
 قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايُ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ يَعْنِي عَلِيًّا اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْإِلَهِ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي  
 قَرِطُكُمْ وَإِنَّكُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضِ حَوْضٍ أَعْرَضُ مَا بَيْنَ بَصْرَى وَصَنْعَاءَ فِيهِ عِدَّةُ النُّجُومِ قَدْ حَانَ مِنْ فِضَّةٍ وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ حِينَ تَرُدُّونَ عَلَيَّ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَاثْبُتُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا الثَّقَلُ  
 الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) سَبَبَ طَرَفَةَ بَيْدِ اللَّهِ وَطَرَفَةَ بِأَيْدِيكُمْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ لَا تَضَلُّوا وَلَا تَبْتَلُوا وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي فَانْهَ الْبَيْتِ الطَّيِّفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَنْقُضِيَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ.

#### ← قصیده حسان بن ثابت

**حسان بن ثابت** شاعر خاص رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز قصیده‌ای در تهنیت مراسم غدیر از جایگاهی رفیع با صدای بلند انشاء نمود که مورد تحسین و استقبال آن حضرت  
 واقع شد. شش بیت ذیل از آن قصیده است:

بنادیهم یوم الغدیر نبیهم  
 بجم و اسمع بالنبی منادیا  
 فقل: «فمن مولاکم و نبیکم»  
 فقلوا: و لم یبدوا هناك تعامیا  
 «الهک مولانا و انت نبینا  
 و لم تلق منا فی الولاية عاصیا  
 فقل له: «قم یا علی فانی  
 رضیتک من بعدی اماما و هادیا  
 فمن کنت مولاہ فهذا ولیہ  
 فکونوا له اتباع صدق موالیا»  
 هناك دعا: اللهم وال ولیہ  
 و کن للذی عادى علیا معادیا

**پیامبر** مسلمانان روز غدیر با صدای بلند ایشان را مخاطب ساخت  
 ندای پیامبر را باید با گوش جان شنید  
 پس گفت: مولی و پیامبر شما کیست؟  
 آنان گفتند و ابهامی در سخن ظاهر نمودند:  
 خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مایی  
 و هیچ یک از ما را در **ولایت** خود نافرمان نخواهی دید  
 پس بدو گفت: برخیز ای علی که من  
 بعد از خود ترا به راهنمایی و امامت پسندیدم (برگزیدم)  
 هر که را من مولی و سرورم این علی نیز ولی او است  
 باید که همه پیرو راستین و دوستدار و طرفدار او باشید  
 در آن جا **دعا** کرد و گفت: خدایا طرفدار یاران علی باش  
 و هر کس با علی دشمنی کند تو دشمن او باش.

[۲۷] **منّوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۱۷.**

[۲۸] **متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۹.**

[۲۹] **طبری، محب الدین، الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۲۶.**

[۳۰] **طبری، محب الدین، الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۲۷.**

[۳۱] **احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۸۱.**

[۳۲] **طبری، نخائر العقبی، ص ۶۸.**

[۳۳] **خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۳۹.**

[۳۴] **امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۵.**

[۳۵] **علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۳.**

#### دلایل اهمیت حدیث

بعضی دلایل اهمیت حدیث غدیر به شرح ذیل است:

#### ← تواتر حدیث غدیر

هیچ یک از احادیث نبوی در صحت و **تواتر** به پایه حدیث غدیر نمی‌رسد. سخنان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و **بیعت** مسلمانان با علی در بزرگترین اجتماع اسلامی که تا آن  
 روز نظیر نداشت و در محضر بزرگان صحابه برگزار گردید. **امیر المؤمنین (علیه السلام)** در دوران خلافت واقعه غدیر را مکررا در محله با مخالفان و یاعین در محضر مسلمانان  
 یادآوری کرد و هر بار جمعی از صحابه که در **غدیر** حضور داشتند برخاستند و شهادت دادند.

[۳۶] **حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۸.**

[۳۷] **احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۸۷.**

[۳۸] **نسائی، خصائص علی، ص ۹۳.**

[۳۹] **ابن کثیر شامی، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۲۹.**

#### ← بزرگترین مستند شیعه

حدیث غدیر بزرگترین حجت و مستند شیعه **امامیه** بر ولایت مطلقه علی (علیه السلام) است. به استناد همین حدیث است که خلافت را موهبتی الهی می‌دانند نه مقامی که مردم انتخاب کنند.

#### ← شهادت دو آیه سوره مانده

به شهادت دو آیه **سوره مانده** که گذشت تشکیل کنگره اسلامی غدیر بزرگترین و مهمترین و حساسترین قسمت از وظائف رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود. به دستور او همه مسلمانان که توانایی سفر داشتند در حجة الوداع همراه شده بودند و معلوم بود برنامه مهمی در پیش است که باید در آن کنگره اجرا شود. **زمان** و **مکان** آن نیز بهترین و مناسبترین بود چون بعد از حج همه از جفه می‌گذشتند و با اشاراتی که پیغمبر فرموده بود برای بیشتر آنان آخرین فرصتی بود که سعادت دیدار رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) دست می‌داد. نزول وحی در آن محل و **وصیت** رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) در آخر خطبه که باید این پیام را حاضران به غایبان و نسل‌ها به یکدیگر ابلاغ نمایند همه شاهد اهمیت فوق العاده حدیث غدیر است.

#### ← برتری اسناد حدیث غدیر

اسناد حدیث غدیر نیز بر سایر احادیث نبوی برتری و امتیاز دارد. بیش از صد و ده تن از اصحاب پیغمبر و هشتاد و چهار تن از تابعین و سیصد و شصت تن از نقلت محدثین آن را روایت کرده‌اند. روایان مشهور غدیر از صحابه: امیر المؤمنین علی، فاطمه زهرا، حسن بن علی، حسین بن علی، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس، عایشه و ام سلمه همسران پیغمبر، اسماء بنت عیس، همسر ابوبکر و سپس علی، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف (عشرة مبشرة) ابوهریره، اسامة بن زید، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، خالد بن ولید، عمار بن یاسر و عمر بن العاص... بودند. نام تمامی ایشان و نام تابعین و روایانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند با ترجمه احوال و روایات ایشان در دو مجلد کتب **عقبات الانوار**، تالیف محققانه میر حامد حسین لکنهویی نیشابوری در ۱۰۰۸ صفحه همراه با صد و پنجاه تن از محدثین و علمای مشهور که این حدیث را روایت کرده‌اند مسطور است. منهج دوم این اثر بی نظیر و مجلدات دوازده گانه منهج دوم که در شرح حدیث غدیر و یازده حدیث متواتر دیگر **شیعه** تالیف شده است اثر بی نظیری است که اهمیت حدیث غدیر را نشان می‌دهد.

**۱۴۰۱** تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۴.

#### ← حدیث غدیر در کتب متعدد

علاوه بر علمای شیعی که از عهد **شیخ صدوق** و **شیخ مفید** و **شیخ طوسی** گرفته تا زمان حاضر کتب بسیار در اثبات صحت و تواتر سند و وضوح دلالت آن بر ولایت و خلافت علی تالیف کرده‌اند بسیاری از علمای اهل سنت نیز کتب و رسالات و یژه‌ای به مساله ولایت و حدیث غدیر اختصاص داده‌اند که امینی در **الغدیر** از بیست و شش تن ایشان نام برده است.

**۱۴۱۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۴.

**۱۴۲۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۵۲.

مشهورترین ایشان عبارتند از: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری (م ۳۱۰ ق) مفسر و مورخ مشهور که کتاب الولاية فی طریق حدیث الغدیر را در دو مجلد تالیف و طرق و الفاظ این حدیث را جمع آورده است.

**۱۴۳۱** ابن کثیر شامی، **البدایة و النهایة**، ج ۵، ص ۲۲۹.

**۱۴۴۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۵۳.

این **عقده** احمد بن سعید همدانی (م ۳۲۳ ق) کتاب الولاية فی طریق حدیث الغدیر را تالیف و حدیث غدیر را از صد و پنج طریق روایت کرده است. **این اثر در الإصابة فی تمییز الصحابه و ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب** از آن بسیار نقل کرده‌اند. در تهذیب التهذیب

**۱۴۵۱** عسقلانی، **ابن حجر، تهذیب التهذیب**، ج ۷، ص ۳۳۷.

آمده است که این عقده حدیث غدیر را از هفتاد صحابی روایت کرده و آن را صحیح می‌داند. ابوبکر جغانی (م ۳۵۵ ق) کتاب من روی حدیث غدیر خم را تالیف کرده است.

**۱۴۶۱** ابن شهر آشوب، **منلقب**، ج ۲، ص ۲۲۹.

وی حدیث غدیر را از ۱۲۵ طریق روایت کرده است. ابوطالب عبدالله بن احمد انباری واسطی (م ۳۵۶ ق) کتاب طریق حدیث الغدیر را تالیف کرده است.

**۱۴۷۱** نجاشی، **رجال نجاشی**، ص ۲۳۲.

**۱۴۸۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۵۴.

ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی (م ۳۷۲ ق) کتاب من روی حدیث غدیر خم را تالیف کرده است.

**۱۴۹۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۵۴.

حافظ گنجی در کتاب کفایة الطالب

**۱۵۰۱** گنجی، حافظ، کفایة الطالب، ص ۱۵.

آورده است که علی بن عمر دارقطنی بغدادی (م ۳۸۵ ق) حدیث غدیر را در جزوهای جمع آورده است. به روایت شیخ سلیمان حنفی در کتاب بنایع المودة، امام الحرمین ابوالمعالی جوینی استاد غزالی گفته است: در بغداد بیست و هشتمین جلد کتابی را در دست صحافی دیدم که **روایت** حدیث غدیر را در لفظ من کنت مولاة فعلی مولاة جمع آورده و در انتهای آن نوشته شده بود: بقیه در جزء بیست و نهم خواهد آمد. علوی الهدار الحداد در کتاب القول الفصل

**۱۵۱۱** علوی، القول الفصل، ج ۱، ص ۴۴۵.

**۱۵۲۱** علامه امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۱۵۸.

آورده است که حافظ ابوالعلاء عطار همدانی گفت: حدیث غدیر را به دو بیست و پنجاه طریق روایت می‌کنم.

#### بشارات درباره حضرت مهدی

یکی از احادیث بشارت دهنده در مورد **حضرت مهدی (علیه السلام)**، حدیث غدیر می‌باشد.

یکی از روایت‌های بشارت دهنده به **حضرت مهدی (علیه السلام)** بشارت **پیامبر اسلام** در **غدیر خم** می‌باشد که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در او پسین ماه‌های عمر خود، در محل غدیر خم، ضمن پافشاری بر **امامت** نخستین پیشوای مسلمانان، درباره آخرین پیشوا چنین فرمود:

... ای مردمان! همانا به درستی که من پیامبرم و **علی** جانشین من است. آگاه باشید! ختم کننده پیشوایان از ما است. او قائم مهدی است. آگاه باشید! همو است که دین را برتری خواهد بخشید و انتقام گیرنده از ستمگران است.

## عید غدیر خم

تعظیم روز غدیر و برگزاری مراسم عید در آن از دیر باز شعار تشیع است. به علاوه چون به موجب بعض احادیث

[۵۴] مجلسی، محمدباقر، زادالمعاد، ج ۱، ص ۳۲۶.

روز غدیر مصادف با نوروز بوده شیعیان **افغانستان** و **هند** و **پاکستان** روز اول فروردین را به احترام روز غدیر عید می‌گیرند (یادداشت‌های ماموریت نویسنده در هند و پاکستان) در مصر خلفای فاطمی عید غدیر را رسمیت دادند، در **ایران** نیز از سال ۹۰۷ ق که **شاه اسماعیل صفوی** به سلطنت رسید و مذهب تشیع را رسمیت و رواج داد تا امروز عید غدیر از اعیاد رسمی کشوری است. در نجف هر سال در این روز مراسم باشکوهی در صحن علوی منعقد می‌شود و رجال و علمای شیعه و سفرای بلاد اسلامی در آن حضور یافته خطابه‌ها و قصاید غدیریه القاء می‌شود (یادداشت‌های ماموریت نویسنده در **عراق**) در احساء و قطیف که موطن شیعیان اثنی عشری است و در یمن که شیعیان زیدی به سر می‌برند نیز روز غدیر با جشن و چراغانی برگزار می‌شود و در مجامع مذهبی حدیث غدیر روایت می‌گردد.

## ادبیات غدیر و غدیریه‌ها

واقعه غدیر خم علاوه بر آن که سرفصل کتب **تفسیر** و حدیث و **کلام** و **فقه** و **تاریخ شیعه** است در ادبیات و **هنر** و عادات و آداب اجتماعی و سنن ملی شیعه نیز تاثیر سازنده داشته است و مخصوصاً در **شعر** عربی و بعد فارسی جای ممتازی دارد. علاوه بر حسن بن ثابت که نخستین شاعر غدیریه سرا بود سایر صحابه مانند امیرالمؤمنین **علی (علیه‌السلام)**، عمر و بن العاص و قیس بن سعد بن عباده این حدیث را در اشعار خود جاویدان ساختند. بعد از ایشان فحول شعرای عرب مانند **کمیت بن زید اسدی**، **سید اسماعیل حمیری**، **ابو تمام**، **دعبل خزاعی**، **شریف رضی**، **شریف مرتضی**، مهیار دیلمی، **صاحب بن عباد**، ابوفراس، حسین بن حجاج، کشاجم، ابن منیر طرابلسی، و **صفی‌الدین حلی** ... غدیریه‌های پرمغز و عالی سرودند و ابن هنر را در ادب عرب و بین شیعیان رایج ساختند. نمونه اشعار ایشان در کتب **اعیان الشیعة** و **الغدیر** به چاپ رسیده است. شرح احوال شاعران شیعی عرب در کتب اخبار شعراء الشیعة تالیف ابو عبدالله مرزبانی و ادب الطف تالیف سید جواد شیر و سایر تراجم شعراء و تواریخ ادب عرب مسطور است.

در **زبان فارسی** قدیمی‌ترین **غدیریه** از منوچهری دامغانی (م ۴۳۲ ق) در دست است. از آن پس شاعران شیعی در ایران و سایر بلاد آسیا به غدیریه سازی پرداختند و از عهد **صفویه** رسم شد که در مجالس رسمی عید غدیر قصائد غدیریه خوانده شود. از مشاهیر شاعران پارسی غدیر باید از ناصر خسرو قبادیانی، سنائی غزنوی، ابن یمن فریومدی، وحشی باققی، قائنی شیرازی، شمس الشعراء سروش، ملک الشعراء صبوری، غالب دهلوی، ادیب الممالک فراهانی، شیخ الرئیس حیرت و **ملک الشعراء بهار** ... نام برد.

[۵۵] یادنامه علامه امینی، ج ۱، ص ۴۱-۴۳، مقاله دکتر سجادی، تهران ۱۳۵۲ ش.

به علاوه مثنوی‌ها و حماسه‌های بسیار در اطراف حدیث غدیر سروده شده و موضوع را از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار داده‌اند. مشهورترین مثنوی‌های عرفانی که به نام ولایت نامه معروف است، اثر طبع هاشم ذهبی، محمد هاشم درویش زنجانی، صدر کاشف دزفولی، ضمیر حلوی، عبدالواحد ناظم، فارغ گیلانی، آخوند ملا سلطان علی گنابادی و سلیم تونی است.

[۵۶] **تهرانی، آقا بزگ، الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۴۴-۱۴۵.**

## ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آن

ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آنها، غالب علمای **اهل سنت** مانند شیعیان در صحت حدیث غدیر تردید نمی‌کنند. نام چهل تن از ایشان را امینی در **الغدیر**

[۵۷] **علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۴.**

با اقول و ترجمه احوال‌شان ثبت کرده است. ولی به دلایلی که در کتب خود آورده و بیشتر آنها تقلیدی است این حدیث را برای اثبات ولایت مطلقه و خلافت بلافصل کافی نمی‌داند برای روشن شدن موارد اختلاف توضیحات ذیل نوشته می‌شود:

## ← ایراد اول

از **قرن پنجم هجری** که تعصبت و وصف آرائی‌های مذهبی شدت یافت بعضی مانند **ابن حزم اندلسی** (م ۴۳۸ ق) و بعد از او **ابن تیمیه** (م ۶۲۲ ق) به دلیل آنکه حدیث غدیر در صحیح بخاری و صحیح مسلم مذکور نیست و از طرق اهل سنت روایت نشده و جز در مسند ابن حنبل در سایر صحاح نیامده است آن را ضعیف شمرده‌اند. ملا سعد تفتازانی و قاضی عضد ایچی و ملا علی قوشچی و میر سید شریف جرجانی و نظایر ایشان نیز همین سخنان را تکرار و برای نظر خود شاهد آوردند که ابوداود و ابوحاتم سجستانی نیز صحت این حدیث را مورد طعن قرار داده‌اند.

## ← پاسخ ایراد مذکور

شیعیان در پاسخ ایشان می‌گویند: اولاً) احادیث صحیح به مندرجات دو کتب بخاری و مسلم منحصر نیست. به همین سبب **حاکم نیشابوری** (م ۴۰۵ ق) کتب **المستدرک علی الصحیحین** را نوشته بود تا احادیث صحیح از قلم افتاده را در آن جمع کند و حدیث غدیر از آن جمله است؛ ثانیاً) حدیث غدیر در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه و سنن دارقطنی و مسند ابن حنبل که هر چهار از اصول موفق اهل سنت به شمار می‌رود مسطور است؛

[۵۸] **فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه، ص ۳۴۹.**

ثالثاً) در طرق حدیث غدیر سی تن از مشایخ بخاری و مسلم

[۵۹] **علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۲۰.**

مذکورند که اگر در اعتبار ایشان شکی باشد اعتبار احادیث بخاری و مسلم نیز زیر سؤال می‌رود؛ رابعاً) حدیث غدیر را صد و ده تن از **صحابه** و هشتاد و چهار تن از **تابعین** و سیصد و ده محدث روایت کرده‌اند. چنین حدیث متواتری را ضعیف چگونه توان گفت؛ خامساً) حدیث من کنت مولاة فعلی مولاة که در حدیث غدیر آمده در سایر احادیث صحیح نیز آمده است. مانند حدیث بریده بن الحصب و حدیث اعش و حدیث **ابن عبس**.

[۶۰] **حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰.**

[۶۱] **مناوی، فیض الغدیر، ج ۶، ص ۲۱۸.**

[۶۲] احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۵۸.

[۶۳] متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۲.

[۶۴] طبری، محب‌الدین، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۸۶.

[۶۵] هبثی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹.

#### ← ایراد دوم

در دلالت حدیث غدیر بر ولایت و امارت علی بر همه مؤمنان و امامت و خلافت او همه علمای شیعی اتفاق نظر و اجماع دارند. شواهد بسیار از کلام فحول شعراء و لغویین عرب که قولشان در عربیت حجت است ثابت می‌کند که مولی به معنی «اولی به نفس» و ولی واجب الاطاعة است و چنانکه گذشت [ابوبکر](#) و عمر علی را «مولی کل مؤمن و مؤمنه» خواندند که معلوم است به معنی ولی واجب الاطاعة است.

#### ← ایراد سوم

در فرهنگ‌های عربی مولی به بیست و هفت معنی آمده است: پروردگار، انعام دهنده، انعام داده شده، آزاد کننده، آزاد شده، پسر، عمو، پسر عمو، خواهرزاده، شریک، بنده، مالک بنده، هم سوگند، یار، تابع، همسایه، مهمان، ولی، ناصر، داماد، عهده دار امر، سزاوارتر، خویشاوند، آقا، متولی، فقید و دوستدار. علمای اهل سنت به دلالتی که در کتب حدیث و کلام ذکر کرده‌اند مولی را در حدیث غدیر دوستدار و یاور معنی می‌کنند. [مولانا جلال‌الدین رومی](#) حدیث غدیر را در مثنوی معنوی چنین ترجمه کرده است:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد

نام خود وان علی مولی نهاد

گفت هر کس را منم مولی و دوست

این عم من علی مولای اوست

و می‌گویند مولی به معنی اولی یا ولی نیست چون وزن مفعول در زبان عرب به معنی افعول یا فعل نیامده است. بنابراین به این حدیث بر [ولایت مطلقه](#) و خلافت علی نمی‌شود استناد کرد. شیعیان این استدلال را نادرست می‌دانند و شواهد بسیار اقامه می‌کنند که مفعول به معنی افعول و فعل هر دو آمده است.

[۶۶] فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۵.

[۶۷] علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۴۴.

به علاوه یاری کردن و دوست داشتن پیغمبر به حکم [قرآن](#) بر هر [مسلمان](#) واجب است. توصیه یاری کردن و محبت علی هم مساله چنان مهمی نبود که به خاطر آن کنگره اسلامی تشکیل شود این امر در ده‌ها حدیث دیگر ابلاغ شده بود و تشریفات و بیعت کردن و تاج پوشی لازم نداشت.

#### ← ایراد چهارم

[احمد بن حنبل](#) و سایر ائمه حدیث آورده‌اند که چند تن از انصار از جمله ابو ایوب انصاری در رحبه (کوفه) نزد علی آمدند و هنگام سخن گفتن او را مولی خطاب کردند. علی فرمود چرا به من مولی می‌گویید شما عربید و من مولی شما چگونه توانم بود؟ گفتند: ما در روز غدیر خم حضور داشتیم و شنیدیم که رسول الله ترا مولی ما خواند از این رو بر خود لازم می‌بینیم ترا مولی خطاب کنیم.

[۶۸] علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۸۷.

این حدیث دلیل است بر آنکه معنی مولی در حدیث غدیر بالاتر از دوست و یاور و به معنی ولی امر است.

#### ← ایراد پنجم

بعض علمای اهل سنت آورده‌اند که حدیث «من کنت مولاة فعلی مولاة» را رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به اسامه بن زید فرمود. او ضمن گفتگو با علی گفت: مولای من رسول الله است. تو که مرا آزاد نکرده‌ای. پیغمبر به اسامه فرمود: هر که را من آزاد کننده‌ام علی آزاد کننده اوست. بعضی هم گویند مخاطب این حدیث در روز غدیر زید بن حارثه پدر اسامه بوده است. شیعیان این قول را به هر دو احتمال باطل می‌دانند زیرا اسامه بن زید آزاد کرده پیغمبر نبود بلکه پدرش را رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) آزاد کرده بود و او آزاد به [دنیا](#) آمد.

در مورد زید بن حارثه نیز این سخن صادق نیست چون او در [جمادی الاولی](#) سال هفتم در [جنگ موته](#) شهید شده بود و طبعاً نمی‌توانست در روز غدیر حضور داشته باشد. [مامون عباسی](#) با همین استدلال چهل تن از محدثین اهل سنت را مجاب نمود.

[۶۹] امین، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۳.

#### ← ایراد ششم

[ابن کثیر شامی](#) در تاریخ دمشق (به روایت اعیان الشیعة) آورده است که اجتماع غدیر خم و حدیث غدیر در شأن علی بدان سبب بود که پس از بازگشت وی از فتح یمن چند تن از ناراضیان نسبت خشنونت و عدم رعایت عدالت در تقسیم غنایم به او دادند، آن حضرت برای اثبات برائت سلطت علی و رفع شبهه، اجتماع غدیر را ترتیب داد و آن سخنان را در فضائل علی بیان نمود. علمای شیعی این قصه را نیز نامناسب و بی دلیل می‌دانند زیرا به اتفاق مورخین شکایت ناراضیان و پاسخ قاطع رسول الله در [مکه](#) در حضور حاجیان بود و حدیث غدیر مربوط به روز هجدهم ذیحجه بعد از خروج از مکه و بعد از مناسک حج است. با توجه به این که سبب خاصی پیش نیامد که در فاصله چند روز شاکیان تجدید شکایت کنند و لازم باشد [رسول الله \(صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم\)](#) چنان کنگره عظیمی را برای پاسخگویی ترتیب دهد.

#### پانویس

۱. ↑ فیروزآبادی، مجدالدین، قاموس، ذیل «غدیر».

٢. ↑ [طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، ذيل «غدير».](#)
٣. ↑ [كراخ التمل، المنجد، ذيل «غدير».](#)
٤. ↑ [تهذيب الصحاح، ذيل «غدير».](#)
٥. ↑ [ازرقى، اخبار مكة، ج٢، ص٣١٠.](#)
٦. ↑ [حواشي سيره ابن هشام، ج١، ص٩.](#)
٧. ↑ [ابن سعد، طبقات الكبرى، ج٣، ص٢٥٥.](#)
٨. ↑ [مقريزي، امتاع الاسماع، ج٤، ص٥١٠.](#)
٩. ↑ [اميني، الغدير، ج١، ص٩.](#)
١٠. ↑ [ابن هشام، سيره، ج٢، ص٦٠١.](#)
١١. ↑ [حلي، السيرة الحلبية، ج٣، ص٢٨٣.](#)
١٢. ↑ [جزائري، درر الفوائد، ص٧٣.](#)
١٣. ↑ [مانده/سوره، آيه٦٧.](#)
١٤. ↑ [سپهر، ناسخ التواريخ، ج١، ص٤٩٥.](#)
١٥. ↑ [فيروز آبادي، فضائل الخمسة، ج١، ص٣٨٨.](#)
١٦. ↑ [مبيدي، تفسير كشف الاسرار، ج٣، ص١٨١.](#)
١٧. ↑ [هيثمي، نور الدين، مجمع الزوائد، ج٩، ص١٥٦.](#)
١٨. ↑ [ثعالبي، ثمار القلوب، ص٦٣٧.](#)
١٩. ↑ [واحدى، على، اسلب النزول، ص١٩٠.](#)
٢٠. ↑ [مانده/سوره، آيه٣.](#)
٢١. ↑ [شيخ صدوق، محمد بن على، الخصال، ج١، ص٦٦.](#)
٢٢. ↑ [شيخ طوسي، محمد بن حسن، رجال كشي، ص٥٥٦.](#)
٢٣. ↑ [محقق داماد، محمد باقر، الرواشح السماويه، ج١، ص٤٥.](#)
٢٤. ↑ [نجاشي، احمد بن على، رجال نجاشي، ص٢١٤.](#)
٢٥. ↑ [سبحاني، جعفر، كليات في علم الرجال، ص١٦٩.](#)
٢٦. ↑ [مستدرکات علم رجال الحديث، ج٧، ص٤٥٣.](#)
٢٧. ↑ [مناوي، فيض القدير، ج٦، ص٢١٧.](#)
٢٨. ↑ [متقى هندي، على، كنز العمال، ج١١، ص٦٠٩.](#)
٢٩. ↑ [طبري، محب الدين، الرياض النضرة، ج٣، ص١٢٦.](#)
٣٠. ↑ [طبري، محب الدين، الرياض النضرة، ج٣، ص١٢٧.](#)
٣١. ↑ [احمد بن حنبل، المسند، ج٤، ص٢٨١.](#)
٣٢. ↑ [طبري، نخائر العقبي، ص٦٨.](#)
٣٣. ↑ [خطيب بغدادي، تاريخ بغداد، ج١٤، ص٢٣٩.](#)
٣٤. ↑ [امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٢٨٥.](#)
٣٥. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص٤٣.](#)
٣٦. ↑ [حاكم نيشابوري، ابو عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص١١٨.](#)
٣٧. ↑ [احمد بن حنبل، مسند، ج٥، ص١٨٧.](#)
٣٨. ↑ [نسائي، خصائص على، ص٩٣.](#)
٣٩. ↑ [ابن كثير، شامي، البداية و النهاية، ج٥، ص٢٢٩.](#)
٤٠. ↑ [تهراني، آقا يزرك، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج١٥، ص٢١٤.](#)
٤١. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٤.](#)
٤٢. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٥٢.](#)
٤٣. ↑ [ابن كثير، شامي، البداية و النهاية، ج٥، ص٢٢٩.](#)
٤٤. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٥٣.](#)
٤٥. ↑ [عسقلاني، ابن حجر، تهذيب التهذيب، ج٧، ص٣٣٧.](#)
٤٦. ↑ [ابن شهر آشوب، مناقب، ج٢، ص٢٢٩.](#)
٤٧. ↑ [نجاشي، رجال نجاشي، ص٢٣٢.](#)
٤٨. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٥٤.](#)
٤٩. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٥٤.](#)
٥٠. ↑ [گنجي، حافظ كفاية الطالب، ص١٥.](#)
٥١. ↑ [علوي، القول الفصل، ج١، ص٤٤٥.](#)
٥٢. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص١٥٨.](#)
٥٣. ↑ [مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، ج٣٧، ص٢١٣.](#)
٥٤. ↑ [مجلسي، محمد باقر، زاد المعاد، ج١، ص٣٢٦.](#)
٥٥. ↑ [يادنامه علامه اميني، ج١، ص٤١-٤٣٠، مقاله دكتور سجدي، تهران ١٣٥٢ ش.](#)
٥٦. ↑ [تهراني، آقا يزرك، الذريعة، ج٥، ص١٤٤-١٤٥.](#)
٥٧. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص٢٩٤.](#)
٥٨. ↑ [فيروز آبادي، سيد مرتضى، فضائل الخمسة، ص٣٤٩.](#)
٥٩. ↑ [علامه اميني، الغدير، ج١، ص٣٢٠.](#)



۶۰. [حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰.](#)
۶۱. [مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۱۸.](#)
۶۲. [احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۵۸.](#)
۶۳. [متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۲.](#)
۶۴. [طبری، محب‌الدین، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۸۶.](#)
۶۵. [هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹.](#)
۶۶. [فیروز آبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۵.](#)
۶۷. [علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۴۴.](#)
۶۸. [علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۸۷.](#)
۶۹. [امین، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۳.](#)

#### منابع

فرهنگ‌نامه مهدویت، سلیمان، خدام‌اد، ص ۱۶۳، برگرفته از مقاله «حدیث غدیر».  
سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «حدیث غدیر»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۰۱/۲۰.

رده‌های این صفحه: [امامت](#) | [امامت خاصه](#) | [بررسی سند روایات](#) | [حدیث شناسی](#) | [حدیث غدیر](#) | [حدیث غدیر](#) | [دلایل امامت](#) | [عنوان های حدیثی](#) | [فضائل امام علی](#) | [کلام](#) | [مقالات اندیشه قم](#)